

شناخت جهانی پیامبر(ص) باداستان نویسی

علی اکبر اشعری در گفت وگو با «جام جم» معتقد است ظرفیت ها و بسترهای دینی فرصت مناسبی برای تقویت همگرایی ملی است



علی مثاھری روزنامهنگار

استاد علی اکبر اشعری بعد از ۵۰ سال فعالیت در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی، راه درست را در ترویج سبک زندگی پیامبر اسلام (ص) یافت و از ده سال پیش جشنواره‌ای داستان محور راه انداخت درباره سیره پیامبر اکرم(ص) و با همکاریانش در دفتر نشر فرهنگ اسلامی می‌کوشد این جشنواره را به اوج ها و نمود هایی تأثیرگذار و روشنی‌افزا ارتقا دهد... گسترش و پیشرفت این جشنواره متفاوت فرهنگی در کشورهای ایران فرهنگی و دیگر کشورهای عرب زبان جهان اسلام، نشانگر کامیابی و فیروزگاری این حرکت امیدآفرین و شکوفای فرهنگی- دینی است. عصر یک روز اردیبهشتی استاد با مصافی وجودش به روزنامه آمد و با مهرآوری و فروتنی‌اش تجربه‌آموز جهان مان شد و روشنی‌افروز بینش مان، به‌ویژه که با پیامبر مهر(ص) آغازگردید و با محرم، اربعین و فرهنگ انسان پروری که اشاعه می‌دهد، سخن را به اوج رساندیم.

پرداخته نمی‌شود بلکه قرار است با اقتباس از سیره به نوشتن داستان‌هایی پرداخته شود که حال و هوای کاملاً امروزی دارد و قهرمان داستان، انسان عصر حاضر است.

❶ نخستین گام پیامبر(ص) پس از معوث‌شدن به رسالت و پیامبری، ایجاد تمدنی جدید بر پایه آموزه‌های و حیانی بود. شما ببینید وقتی پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند، شهر یثرب را مدینه نام نهاده و آن را به مرکز تمدن نوظهور اسلامی تبدیل نمودند. به عبارتی ایجاد تمدن جدید. در نهاد حرکت و کنشگری ایشان وجود داشت و موج می‌زد!

شما ببینید؛ ایشان وقتی به مدینه تشریف می‌آورد، نخستین کارشان این است که مسجد را بنا می‌کنند اما نه فقط به عنوان مکانی برای عبادت بلکه به عنوان مرکزی برای همه‌کنشگری‌های مردم. از کنش‌های سیاسی تا اقتصادی و فرهنگی و...

ایشان با ویژگی‌های برجسته شخصیتی خود، تمدن‌سازی را آغاز کردند و در راستای این حرکت اقدامات عمیق و اثرگذاری را انجام دادند؛ از اقداماتی به‌منظور حذف آثار جاهلی و ضدتمدنی گرفته تا وارد کردن عناصر ارزشمند فرهنگی در میان مردم. برای نمونه، آن‌دسته از اسامی افراد و حتی اشاره‌ها که نشان از جاهلیت و فرومایگی انسان داشت، به نام‌هایی که به شأن و ارزش انسان توجه داشت تغییر دادند که نمونه‌های آن در تاریخ صدر اسلام ثبت است.

روابط بین قبایل را که در عصر جاهلی برپایه زر و زور بود، به روابطی برابر و در قالب تنظیم قراردادهایی متریقی تنظیم کردند تا روابط مسلمانان با پیروان سایر ادیان و تیره‌ها و قبایله برابر اساس منشور مدون و با حساب و کتابی باشد. این اقدامات برای اولین‌بار انجام شد و در واقع همان طور که اشاره کردید، پایه‌های تمدن اسلامی را بنا نهادند نه فقط به عنوان این‌که اسلام فقط جنبه فردی دارد و زندگی شخصی مردم را قرار است در نظر بگیرد بلکه به زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... مردم نیز اهتمام ورزیدند.

❷ مفاهیمی سترگی هم در نامه‌های ایشان هست...

نامه‌هایی که ایشان به سران کشورها و بزرگان می‌نوشتند و توسط سفیرانی به آن کشورها ارسال می‌کردند که به زبان مخاطبان نامه‌ها آشنا بودند. این سخن ماگزارشی از ۱۴۰۰ سال پیش است، در حالی که امروز در کشور ما کسانی به عنوان نماینده به برخی نشست‌ها و... به دیگر کشورها اعزام می‌شوند که با خودشان مترجم می‌برند؛ به‌ویژه برای مذاکره، در حالی که پیامبر(ص) از همان آغاز کار به کسانی مأموریت‌های این چنینی می‌داد که به‌خاطر آشنایی با زبان و فرهنگ مقصد بتوانند خوب گفت‌وگو کنند و به تفاهم برسند. مثلاً در نظر بگیرید در ماجرای هجرت به حبشه و آن سخنان روشنگری که برادر امیرالمومنین(ع)، یعنی جعفر نزد نجاشی گفت، او به‌عنوان سفیر چنان با حکمت سخن گفت که پادشاه حبشه نه‌تنها مهاجران را به‌گرمی پذیرفت بلکه نهایتاً خودش مسلمان شد و مدافع پیامبر(ص) گردید. این از مهم‌ترین نقش‌های پیامبر است؛ یعنی همان تبیین و روشنگری و بنیانگذاری پایه‌های تمدن نوین اسلامی.

❸ دانشی که این‌گونه کسب شود، یعنی با کنشگری آموزنده همراه باشد، عمیق‌تر در جان می‌نشیند و فراموش نمی‌شود. چون همه این فعالیت‌ها حول محور خداست و این خدایی بودن در راستای تعالی بخشی انسان است که هیچ حد توقفی هم ندارد، همه آموزش‌ها باید حول این ویژگی شکل بگیرد که انسان به مقام و جایگاهی برسد که لایقش است.

❹ برای رسیدن به چنین هدفی باید چه کنیم؟ مقام معظم رهبری فرمودند ما برای هر اقدامی نیاز به یک پیوست فرهنگی داریم؛ یعنی هم هر اقدامی که قرار است صورت بگیرد در بستر فرهنگی مناسب صورت گیرد و هم این که در طراحی‌های خود به آثار فرهنگی مرتبط بر این فعالیت‌ها نیز ببیندیشیم که رفتارمان از این جهت خنثی و بی‌اثر نباشد.

پس تاکید می‌کنم برنامه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی باید بر این محور شکل بگیرند تا انسان به مقامی که شایسته اوست، دست یابد. برای این منظور، هر اقدام نیازمند پیوست فرهنگی است؛ نخست، باید بررسی شود که این اقدام

کنید، به‌نظرم همه آنها اعتقاد به حقانیت دین مبین را تقلیدی نمی‌دانند، بلکه باید به‌شکل یک باور عمیق در وجود انسان دربیاید و بعد در فروغ دین است که تقلید از خبرگانی که ما آنها را

مراجع تقلیدی می‌نامیم، شکل می‌گیرد. به همین دلیل اصرار ما این است که در کار آموزش و فرهنگ بایستی مخاطب فعال باشد و نه این‌که فعالیت و کنشگری منحصر به مربیان و معلمان باشد. در آموزش و فرهنگ، مخاطب باید فعال باشد، نه منفعل. همانند کلاس درس که چندان فایده‌ای ندارد اگر کار معلم مثل یک سخنران یک‌طرفه باشد بلکه باید درس را دانش آموزان بخوانند و دریابند و معلم

همانند راهنما باشد که در این صورت، دانش به‌گونه‌ای عمیق در جان خواننده ریشه می‌دواند. پس نباید معلم صرفاً انتقال دهنده دانش باشد. اسلام چون موجی همه مرزها را درنوردید اما این‌که ملاحظه می‌کنید در اینجا مردم به قرائتی ناب از اسلام روی می‌آوردند، حاکی از نکته‌ظرفی‌ای است. در آموزش و پرورش به معنای عمومی آن و نه فقط مدرسه و دانشگاه، باید نقش بلاغ مبین خودمان را بازتعریف کنیم و بباییم. نهج البلاغه را که مطالعه می‌کنیم، در خطبه اول، حضرت علی(ع) تأکید دارند خداوند پس از آفرینش انسان به اعزام و گسیل پیامبران پرداخت تا مأموریت‌شان این باشد که دفاین عقول آنها را بیدار سازد و برانگیزد تا خود به کشف حقیقت نائل شوند. شما به رساله‌های عمیله مراجع بزرگوارمان توجه

❺ به نسبت جایگاه والای پیامبر اکرم(ص) و ویژگی‌های بی‌همنی ایشان که به‌راستی الگویی جهانی و متعالی برای بشریت بوده و هستند و با وجود کوشش دشمنان برای تحریف [همانند برجسته‌کردن خشونت‌گرایی در اسلام] و مسخ چهره جهان‌نگرای ایشان، شما به‌ویژه در این مسیر چه اقداماتی انجام داده‌اید و چه اهدافی را در جشنواره خاتم دنبال می‌کنید؟

جامعه ما بیش از هر زمانی نیاز دارد حکومت و ارزش‌های اسلامی پیامبر(ص) را مرجع خودش قرار بدهد و این همه مشکلات فرهنگی ما ناشی از این مهم است که چنین کاری را نکرده‌ایم. برپایی جشنواره‌ای با محوریت داستان نویسی برپایه سیره پیامبر(ص) به این‌خاطر بوده است.

ما اندیشیدیم کاری را با اهدافی چندگانه آغاز کنیم. در ابتدا هدف اصلی این بود که سیره نورانی پیامبر اکرم(ص) در جامعه بیش ازپیش شناخته شود و از رهگذر هویت بخشی به حکومتی که بر پایه ارزش‌های اسلامی بناشده، این شناخت تعمیق یابد.

برپایی چنین جشنواره‌ای باعث می‌شود نخست به مطالعه زندگی و سیره پیامبر(ص) بپردازند و سپس در این روند با بهره‌گیری از روایت‌های هنرمندانه و جذاب، داستان خلق شود که در ادامه به صورت کتابی درمی‌آید که خود به‌تنهایی خواندنی و ارزشمند باشد و مطالعه آن، هم لذت بخش و هم معرفت‌افزا گردد.

اما در این مسیر، چند تحول مهم رخ داد؛ نخست آن‌که عملاً کسانی که به‌نگارش و مطالعه روی آوردند، به‌افزایش آگاهی و ترویج فرهنگ مطالعه و افزونی سرانه کتابخوانی کمک کردند. و همین مسأله در رونق بخشیدن به کتابخوانی بسیار تأثیر دارد. علاوه بر مطالعه و گسترش فرهنگ آن سعی کردیم به رونق بخشیدن نویسنندی نیز از رهگذر این برپایی کمک کنیم و رونق بخشی به نویسنندی از دیگر ابعاد جشنواره خاتم بوده است.

بسیاری از افرادی که نو قلم بودند، به این عرصه وارد شدند و اکنون در هیأت داورى حضور دارند زیرا رشد پیوسته‌ای در این مسیر داشته‌اند. در حقیقت، نهضتی در نویسنندی پدید آمد.

طی این ۱۰ سال، به‌دلیل انتخاب موضوعی که هم در میان مسلمانان به‌طور کامل پذیرفته شده، هم در میان غیرمسلمانان به‌ویژه مسیحیان و همین‌طور در عالم غیرمسیحیان، به‌عنوان پیامبر جهانیان مورد احترام است، گاهی برخی پیروان ادیان دیگر نیز در این جشنواره شرکت می‌کنند.

❻ در این ۱۰ دوره برگزارى؟

شاهد اتفاقات مبارکی بودیم؛ در این راستا، نه‌تنها از ایران بلکه از کشورهای دیگر نظیر عراق، لبنان، امارات، آذربایجان و افغانستان نیز آثاری برای جشنواره ارسال شدند. بنابراین چنان چه پیامبر اکرم(ص) خوب شناخته شوند، نه فقط مسلمانان که افراد دیگر پیرو نحلّه‌های مختلف مذهبی و فکری هم به ایشان اقتدا می‌کنند و از ایشان الگو می‌گیرند؛ چرا که رفتار ایشان دقیقاً منطبق با فطرت الهی انسان است. تاکید می‌شود اگر پیامبر اکرم(ص) به‌درستی معرفی و شناخته شوند، تنها در یک حوزه خاص مقبولیت نمی‌یابند بلکه در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر، مورد پذیرش قرار می‌گیرند و از ایشان به‌عنوان یک الگوی کامل انسانیت تبعیت می‌شود.

❿ شما کار خود را با داستان کوتاه آغاز کردید و در ابتدا محدودۀ جغرافیایی کارتان، ایران و زبان جشنواره هم فارسی بود؛ اما شاهدیم که به‌مرو تحوّلات جدیدی رخ داد... در یافتیم که نویسندگان شرکت‌کنند در سطوح مختلفی فعالیت می‌کنند؛ از نو قلم و نوجوان تا حرفه‌ای‌ها شرکت داشتند. برخی داستان‌هایی برای کودکان و نوجوانان می‌نوشتند و برخی برای بزرگسالان، از این رو، آثار داستانی کودک و نوجوان را از بزرگسالان تفکیک کردیم و در دو گروه داورى قرار دادیم و برای هریک جوایز مستقلی در نظر گرفتیم. سپس، داستان‌هایی که نوجوانان ارسال کردند را نیز به‌طور جداگانه اما در مقایسه با خودشان بررسی کردیم و در روند این مقایسه مستقل برای شان جایزه ویژه‌ای ترتیب دادیم.

سیس برخی نویسندگان پیشنهاد «طرح رمان» را به جشنواره دادند که از دو سال پیش، طرح رمان را نیز به جشنواره افزودیم و سال گذشته، از میان طرح‌های پیشنهادی، سه یا چهار طرح رمان پذیرفته شد. این طرح رمان‌ها زیر نظر کارشناسان و اساتید و توسط پیشنهاددهنده طرح نگارش یافته و ویرایش می‌شود و در نهایت به نام نویسندگان شان منتشر می‌شود.

❻ در کنار این جشنواره، فعالیت‌های دیگری هم انجام داده‌اید... نخست، نقد کتاب و نقد داستان و کنش انتقادی نسبت به چنین آثاری را در استان‌ها، تهران و فضای مجازی ترویج کرده‌ایم. همچنین، آموزش داستان نویسی با محوریت سیره پیامبر اکرم(ص) را هم به‌صورت حضوری در استان‌ها و هم در فضای مجازی برگزار می‌کنیم.

جام جم

فرهنگ

CULTURE

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۷۰۴۴

یا انقلاب در منطقه‌ای از جهان رخ می‌دهد، موجی را در جهان می‌پراکند اما به‌مرور در مرکز به‌شکلی با رکود مواجه می‌شود؛ ما از آنجاکه نگران بروز چنین وضعیتی در جامعه خودمان بودیم، فکر می‌کردیم از همان ابتدای استقرار نظام اسلامی برای این‌کار باید چاره‌ای اندیشید.

البته این نگرانی هم اکنون نیز در جامعه ما وجود دارد که به‌موازت گسترش تفکر انقلاب اسلامی خودمان از درون گرفتار وضعیت

شبیه به عصای موریانه خورده حضرت سلیمان شویم. بااین حال، ظرفیت‌ها و بسترهای مناسب دینی چون رمضان و محرم، فرصت‌های مناسبی برای تقویت همگرایی ملی است و البته با مختصر هوشیاری دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی ما و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت انواع رسانه‌ها به‌ویژه با توجه به عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پیشرفت انقلاب که بر اعتقاد عمیق مردم به اسلام و نظام مبتنی است، می‌توان به اتفاقات خوب امیدوار بود.

❶ اسلام به‌گفته شما دین زیبایی‌هاست و کارهای ما باید به کمال زیبایی آراسته باشد و الگوهایی پسندیده ارائه کنیم اما تناسب در کشور احساس نمی‌شود و گونه‌ای وضعیت چاپ‌اندرقیچی در اوضاع و کارها دیده می‌شود؟!

نسل جدید، امید ماست. امروز هر جا نشانه‌ای از پیشرفت و نشاط اجتماعی مشاهده می‌شود، جای با نقش جوانان روبهید در بستر انقلاب اسلامی را مشاهده می‌کنیم. الان یادم نیست اما از یکی از مسئولان شنیدیم که می‌گفتند امروز متوسط سن در حوزه‌هایی که پیشرفت ایران چشم‌جهانیان را خیره کرده، نظیر صنایع هوافضا، هسته‌ای، نظامی، نانو و... حدود ۲۵ تا ۳۰ سال است. این اتفاق معنادار و مهمی است که باید مورد توجه سایر بخش‌ها نظیر آموزش و فرهنگ نیز قرار بگیرد. گویی بخش زیادی از کسانی که روزهای اثرگذار و نقش‌آفرینی را در سوابق خود دارند، به‌دلیل مختلف از جمله عقب‌ماندن از

تحولات علمی و نوآوری‌ها و احیاناً از دست‌دادن روحیه شجاعت و ریسک‌پذیری و گرفتار نوعی روحیه محافظه‌کاری شدن، دیگر باید لاقل در حوزه اجرا کارها را به دستان جوانان انقلابی و سرشار از ایده و انگیزه بسپزند و خود نهایتاً در موضع مشاوره در کنار آنها باشند. ما با اخلاص و مجاهدت، از هیچ به همه چیز رسیده‌ایم. ضعف‌ها و اشتباهات خود را می‌پذیریم اما حرکت کلی انقلاب، بر محور درستی شکل گرفته که باید آن را پاسداری کنیم. خدابه ما و ایران و انقلاب لطف کرده و مردانی از سلاله رسول اکرم(ص) امامت و رهبری جامعه را به‌دست گرفته‌اند. شخصیت‌های بی‌نظیری که دشمنان نیز به فراسمت و درست‌اندیشی و تدبیر ایشان واقف و معترف‌اند. همان‌گونه که شما اشاره داشتید، در قرآن هم آمده که اگر در راه ما بکوشید خدا شما را کمک و هدایت می‌کند... من از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی همواره شاهد بوده‌ام که هر جا با دل بال اخلاص و مجاهدت با پیش گذاشتیم، درها و راه‌ها به روی‌مان گشوده شد و موفق شدیم و دستاوردها شبیه معجزه بوده و حتماً با اعتقادی که به وعده‌های الهی داریم، این مسیر ادامه خواهد داشت. البته می‌دانم که ضعف و اشتباه هم داشته و داریم ولی چون حرکت اصلی راه افتاده و همچون آبی جاری به حرکت درآمده، این مسیر پیش‌تازانه به‌پیش خواهد رفت و افق‌هایش را خواهد گشود.

❷ در حوزه ایران فرهنگی، از ظرفیت‌های مراکز تمدنی حوزه نوروز، مانند سمرقند و بخارا که به‌دلیل قراردادهای مصنوعی از ما جدا شده‌اند، استفاده نکرده‌ایم. این شهرها همچنان به‌شدت فارسی‌زبان‌اند. فروزهای تاریخ‌ساز همواره از خراسان بزرگ برخاسته و سیاستمداران و رابیزانان ما در فرهنگ به‌خصوص نمی‌دانند که بخارا و سمرقند همان شیراز و مشهدند و نباید فراموش‌شده و یاد فراموش باشند، زیرا بخشی از ما و روح فرهنگی و هویتی‌ما هستند...

هر قدر یک اقدام، اهمیت بیشتری داشته باشد، باید در گماردن مسئولیت آن به افراد حساسیت بیشتری داشته باشیم؛ به‌ویژه در عرصه فرهنگ، آنهایی که زمام امور را به‌دست می‌گیرند، خود باید سمبل همه فضائلی باشند که قصد دارند با اقدام و حرکت خود، جامعه یا جوامع را به آن سو فرخوانند. فرموده‌اند: «ذات ناپافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش»؛ به‌ویژه آنجاکه شخصیتی فرهنگی می‌خواهد به‌عنوان سمبل فضائل ملت در جامعه‌ای دیگر نقش‌آفرینی کند.

❸ حتی از ظرفیت‌هایی چون اربعین و محرم به‌درستی استفاده نکرده‌ایم... با این حال، محرم اکنون در سراسر جهان برگزار می‌شود و این هوشمندی فرهنگی، امیدوارکننده است. جمع‌بندی آن‌که ما در تلاشییم تا عناوین جشنواره را افزایش دهیم و در آینده به حوزه‌هایی مانند فیلم‌نامه و نمایش‌نامه نیز وارد شویم؛ کم‌این‌که احتمالاً امسال در فراخوان یازدهمین دوره جشنواره یادکست را نیز اضافه خواهیم کرد.

البته این را هم توجه داشته باشید که ما در قالب مؤسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنیم و با امکانات محدود پیش می‌رویم. البته امیدواریم با عنایت رسول اکرم(ص) که همه تلاش‌ها برای اشکاردن هر چه بیشتر جامعه با سیره ایشان است، گشایش‌هایی برای توسعه این فعالیت‌ها و نظایر این ایجاد شود.



چنان‌چه پیامبر اکرم(ص) خوب شناخته شوند، نه فقط مسلمانان که افراد دیگر پیرو نحلّه‌های مختلف مذهبی و فکری هم به ایشان اقتدا می‌کنند و از ایشان الگو می‌گیرند؛ چرا که رفتار ایشان دقیقاً منطبق با فطرت الهی انسان است

هم‌سخن بوده‌ام. علی‌رغم همه تبلیغات دشمنان و مخالفین، پرواک انقلاب، نخبگان جهان را نسبت به این رخداد بزرگ کنجکاو کرده و این کنجکاوی و پیگیری آن موجب شده روز به‌روز موج بیداری گسترده‌تر شود و در نتیجه آن، گرایش به اسلام باقرات انقلاب اسلامی بیشتر شود و حتی کسانی که به‌این دین مبین روی نمی‌آوردن را هم تحت تأثیر آرمان‌های انقلاب، به افرادی معترض به فرهنگ استعماری غرب که حتی مردم جوامع خودشان را به‌شیوه‌ای مدرن به بردگی درآورده‌اند، تبدیل کرده است و ما هر روز از طریق رسانه‌های خودشان به بهانه‌ای فریاد اعتراض آنها را به‌نظام منط غرب می‌شنویم. بنابراین عملاییم انقلاب همانند موج در همه جهان گسترده شده است.

یکی از رهبران کلیسای فرانسه در سخنرانی خود که در فضای مجازی منتشر شد، نگرانی خود را از این که در ۵۰ سال آینده اکثریت جمعیت کشورش مسلمان خواهند شد، فریاد زد. در سفری که چندسال پیش به یکی از کشورهای جنوب آفریقا داشتم، تعدادی از کمیسיוنها با مجلس ملی آن کشور درخواست نشستی را مطرح کردند. جالب این‌که در آن جلسه مهم‌ترین پرسش آنها از شیوه حکومت در کشور ما و مفهوم ولایت فقیه و این‌که چگونه است که شما سال‌ها است فریاد مرگ بر آمریکاسرمی دهید اما به‌زندگی طبیعی خود نیز ادامه می‌دهید... و کسی با شما کاری ندارد، درحالی‌که ما چنین جرأتی نداریم که درباره آمریکا نقد یا سخنی منفی ارائه کنیم.

❶ این آرزگانی ما و انقلاب اسلامی‌مان، خود جاذبه‌ای در میان حقیقت جویان ایجاد کرده و اسلام به‌تدریج و زیرپوستی دارد کار خودش را پیش می‌برد.

در عین حال که قبول دارم باید از طریق فضای رسانه‌ای بسی بهتر فرهنگ و صدای ما را به جهانیان برسانیم و باید از رسانه بهتر استفاده کنیم اما واقعا در عمل چنین اتفاقی در حال رخ‌دادن است! همین جشنواره خاتر را که در حال انجام است، ببینید! هرگز تبلیغ خاصی برایش صورت نگرفته اما دارد زبان به‌زبان و سینه به‌سینه تا فراسوی مرزهای سیاسی راه پیدا می‌کند و داستان‌هایی از دیگر کشورهای منطقه و فراسوتر و به زبان‌هایی غیر-از-فارسی به‌دست ما می‌رسد که البته اگر اطلاع‌رسانی درست انجام دهیم، بسی اتفاقات خوشحال‌کننده‌تری می‌افتد.

❷ اتفاقات امواج الهام بخش انقلاب ما بدون تبلیغات به‌آن‌سوی مرزها راه یافته است. ما خودمان گاهی از تأثیرات عظیم خود بی‌خبریم. مثل مهبی که در دریا پی دریبا می‌گردد و بازنمی‌شناسدش! وقتی به آفریقا، آسیا، یا آمریکای لاتین نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که چقدر چشم‌شان به ما است و چقدر الهام بخش و امیدآفرین بوده‌ایم (این موج اسلام‌هراسی که در جهان به‌راه افتاده، به‌دلیل همین اسلام‌گرایی عمیقی است که از قبل انقلاب ما در جهان گسترش یافته. غربی‌ها با وارداند این عصر، به‌راستی عصر بازگشت به خداست.) ما در مرکز این تحولات الهام‌بخش قرار داریم اما گاهی مسئولان ما از این موضوع غافل‌اند.

ما زمانی با دوستان انقلابی در ماه‌های آخر رژیم در جلساتی به مطالعه بعثت انبیاء و انقلاب‌های جهان پرداختیم و هرکدام یکی از مراکز حرکت انبیاء و انقلاب‌ها را بررسی کردیم و همه ما به یک جمع بندی رسیدیم که عموماً وقتی یک اتفاق مهم مانند بعثت